

زندگی نامه حضرت خدیجه سلام الله علیها

<?xml encoding="UTF-8?">



ولادت و خانواده

خدیجه (سلام الله علیها) 68 سال قبل از هجرت دنیا آمد . خانواده ای که خدیجه را پرورش داد ، از نظر شرافت خانوادگی و نسبت های خویشاوندی ، در شمار بزرگترین قبیله های عرب جای داشت . این خاندان در همه حجاز نفوذ داشت . آثار بزرگی و نجابت و شرافت از کردار و گفتار خدیجه پدیدار بود .

خدیجه از قبیله هاشم بود و پدر و اقوامش از ثروتمندان قریش بودند . پدرش خویلد بن اسد قریشی نام داشت . مادرش فاطمه دخترزائد بن اصم بود .

اخلاق خدیجه (سلام الله علیها)

خدیجه در بین اقوام خود یگانه و ممتاز و میان اقران کم نظیر بود . او به فضیلت اخلاقی و پذیرایی های شایان

بسیار معروف بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می ورزیدند .

دخترت خویلد در سجایا و کمالات اخلاقی زبانزد و نمونه بود و به حق ایشان کفو خوبی برای پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود . بی تردید می توان گفت که این سجایا و فضایل اخلاقی سبب شد تا خدیجه برای همسری پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) شایسته شمرده شود . طبق روایات ، او برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) یآوری صادق بود .

آیا خدیجه (سلام الله علیها) قبل از پیامبر (صلی الله علیه وآله) ازدواج کرده بود ؟

معروف است اولین کسی که به خواستگاری خدیجه آمد یکی از بزرگان عرب به نام «عتیق بن عائذ مخزومی» بود . او پس از ازدواج با خدیجه ، در جوانی در گذشت و اموال بسیاری برای خدیجه ارث گذاشت . پس از او «ابی هاله بن المنذر الاسدی» که یکی از بزرگان قبیله خود او بود ، با وی ازدواج کرد . ثمره این پیوند فرزندی به نام «هند» بود که در کودکی در گذشت . ابی هاله نیز پس از چندی ، وفات یافت و ثروت بسیار از خویش بر جای نهاد.

هرچند این مطلب که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) سومین همسر خدیجه بود و جز عایشه با دوشیزه ای ازدواج نکرد ، نزد عامه و خاصه معروف است؛ ولی مورد تایید همگان نیست . جمعی از مورخان و بزرگان ، نظرمخالف دارند ؛ برای مثال «ابوالقاسم کوفی» ، «احمد بلاذ ری» ، «علم الهدی» ، (سیدمرتضی) در کتاب «شافی» و «شیخ طوسی» در «تلخیص شافی» آشکارا می گویند که خدیجه ، هنگام ازدواج با پیامبر ، «عذرا» بود . این معنا را علامه مجلسی نیز تایید کرده است . او می نویسد : «صاحب کتاب انوار البدء» گفته است که زینب و رقیه دختران هاله ، خواهر خدیجه بودند .

برخی از معاصران نیز چنین ادعا کرده اند و برای اثبات ادعای خود کتابهایی نوشته اند .

آشنایی با حضرت محمد (صلی الله علیه وآله)

فضایل اخلاقی خدیجه ، بسیاری از بزرگان و صاحب منصبان عرب رابه فکر ازدواج با وی می انداخت . ولی خاطرات همسر پیشین به وی اجازه نمی داد شوهری دیگر انتخاب کند . تا اینکه با مقامات معنوی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) آشنا شد و آن دو غلامی که برای تجارت همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرستاده بود ، مطالب و معجزاتی که از وی دیده بودند ، برای خدیجه نقل کردند . خدیجه فریفته اخلاق و کمال و مقامات معنوی پیامبر (صلی الله علیه وآله) شد . البته او از یکی از دانشمندان یهود و نیز ورقه بن نوفل ، که از علمای بزرگ عرب و خویشان نزدیک خدیجه به شمار می رفت ، در باره ظهور پیغمبر آخرالزمان و خاتم الانبیا (صلی الله علیه وآله) مطالبی شنیده بود . همه این عوامل موجب شد تا خدیجه حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را به همسری خودانتخاب کند .

ازدواج خدیجه (سلام الله علیها)

زفاف خدیجه با حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) 2 ماه و 75 روز پس از بازگشت از سفر تجارت شام تحقق یافت . در آن زمان ، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) 25 سال داشت و خدیجه چهل ساله بود . ابن عباس سن ایشان را 28 سال نقل می کند . هرچند بعضی از مورخان اهل سنت سعی می کنند این سخن را رد کنند ؛ چون راوی آن محمد بن صائب کلبی از شیعیان است و آنها او را ضعیف می دانند .

خدیجه به سبب علاقه به حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و مقام معنوی او بارسول خدا ازدواج کرد و تمام دارایی و مقام و جایگاه فامیلی خود را فدای پیشرفت مقاصد همسرش ساخت .

در عقد ازدواج حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و خدیجه ، عبدالله بن غنم به آنها چنین تبریک گفت :

هنيئاً مريئاً يا خديجه قد جرت لك الطيرفيما كان منك باسعد

تزوجت خير البريه كلها و من ذا الذي في الناس مثل محمد ؟

و بشر به البران عيسى بن مريم و موسى ابن عمران فياقرب موعد

اقرت به الكتاب قدما بانه رسول من البطحاء هادو مهتد

گوارا باد بر تو ای خدیجه که طالع تو سعادت مند بوده و بابهترین خلائق ازدواج کردی . چه کسی در میان مردم همانند محمد (صلی الله علیه وآله) است . محمد (صلی الله علیه وآله) کسی است که حضرت عیسی و موسی

به آمد نش بشارت داده اند و کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند .

رسولی که سر از بطحاء (مکه) در می آورد و او هدایت کننده و هدایت شونده است .

احترام پیغمبر خدا ((صلی الله علیه وآله)) به خدیجه سلام الله علیها

احترام حضرت محمد ((صلی الله علیه وآله)) به خدیجه ، به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود .
خصال خدیجه (سلام الله علیها)

خدیجه از بزرگترین بانوان اسلام به شمار می رود . او اولین زنی بود که به اسلام گروید ؛ چنان که علی بن ابی طالب (علیه السلام) اولین مردی بود که اسلام آورد . اولین زنی که نماز خواند ، خدیجه بود. او انسانی روشن بین و دور اندیش بود . با گذشت ، علاقه مند به معنویات ، وزین و با وقار ، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود . همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت .

خدیجه از کتب آسمانی آگاهی داشت و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را «ملکه بطحاء» می گفتند . از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده ای داشت و مهمتر اینکه حتی قبل از اسلام وی را «طاهره» و «مبارکه» و «سیده زنان» می خواندند .

جالب این است او از کسانی بود که انتظار ظهور پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می کشید و همیشه از ورقه بن نوفل و دیگر علما جوایب نشانه های نبوت می شد . اشعار فصیح و پر معنای وی در شان پیامبر اکرم ((صلی الله علیه وآله)) از علم و ادب و کمال و محبت او به آن بزرگوار حکایت می کند .

نمونه ای از اشعار خدیجه در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

| | |
|---|---|
| فلوانی امسیت فی کل نعمه و دامت لی
الدنیا و تملک الاکاسره | فما سویت عندی جناح بعوضه اذا لم
یکن عینی لعینک ناظره |
|---|---|

چنین است :اگر تمام نعمتهای دنیا از آن من باشد و ملک و مملکت کسراها و پادشاهان را داشته باشم ، در نظرم هیچ ارزش ندارد زمانی که چشم به چشم تو نیافتد .

دیگر خصوصیت خدیجه این است که او دارای شم اقتصادی و روح بازرگانی بود و آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسیده بود .

البته سجایای اخلاقی حضرت خدیجه چنان زیاد است که قلم از بیان آن ناتوان است . پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می فرماید : «افضل نساء اهل الجنة خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم .»

چه می توان گفت در شان کسی که مایه آرامش و تسلاى خاطر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود ؟ ! در تاریخ می خوانیم : «حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) هر وقت از تکذیب قریش و اذیت های ایشان محزون و آزرده می شدند ، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی کرد مگر یاد خدیجه ؛ و هرگاه خدیجه را می دید مسرور می شد»

ذهبی می گوید : مناقب و فضایل خدیجه بسیار است ؛ او از جمله زنان کامل ، عاقل ، والا ، پای بند به دیانت و عفیف و کریم و از اهل بهشت بود . پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) کرارا او را مدح و ثنا می گفت و بر سایر امهات مومنین ترجیح می داد و از او بسیار تجلیل می کرد. به حدی که عایشه می گفت : بر هیچ یک از زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان سبب بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) بسیار او را یاد کرد .

درود خدا بر خدیجه سلام الله علیها

خدیجه کبری چنان مقام والایی داشت که خداوند عزوجل بارها براو درود و سلام فرستاد . طبق روایتی از حضرت امام محمد باقر (صلی الله علیه وآله) : پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) هنگام باز گشت از معراج ، به جبرئیل فرمود : «آیا حاجتی داری ؟»

جبرئیل عرض کرد : خواسته ام این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی»

در روایتی دیگر می خوانیم : روزی خدیجه به طلب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بیرون آمد . جبرئیل به صورت مردی با وی رو به رو شد و از خدیجه احوال رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را پرسید . خدیجه نمی توانست بگوید رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در کجا به سر می برد . او می ترسید این مرد از کسانی باشد که قصد کشتن پیغمبر (صلی الله علیه وآله) را دارد . وقتی که خدمت آن حضرت رسید و قصه باز گفت ، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) فرمود : «آن جبرئیل بود و امر کرد که از خدا تو را سلام برسانم .»

نقش خدیجه سلام الله عليها در پیشبرد اسلام

وقتی حضرت خدیجه دریافت که سعادتمند شده ، هرچه داشت در راه پیشرفت و موقعیت پیغمبر اسلام(صلی الله علیه وآله)انفاق کرد . او تمام اموال خویش را به پیامبر (صلی الله علیه وآله)بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رستادند . تا جایی که هنگام ارتحال ، پارچه ای برای کفن نداشت .

ابن اسحاق جمله ای در شان خدیجه دارد که گویای همکاری و صداقت او در پیشبرد اسلام است . او می گوید : «خدیجه یاور صادق و با وفایی برای پیامبر (صلی الله علیه وآله)بود و مصیبت ها در پی رحلت خدیجه و ابوطالب بر پیامبر(صلی الله علیه وآله) سرازیر شد .»

گویا این دو ، در برابر هجوم ناملایمات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، سدی بلند و مستحکم بودند .

این جمله ، معروف که اسلام رهین اخلاق پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، شمشیر علی (علیه السلام) ، و اموال خدیجه است از نهایت همکاری و صداقت خدیجه پرده بر می دارد .

فرزندان خدیجه سلام الله عليها

در تعداد فرزندان حضرت خدیجه ، میان مورخان اختلاف است . به گفته مشهور : ثمره ازدواج رسول خدا و خدیجه ، شش فرزند بود .

1- هاشم . 2- عبدالله . به این دو «طاهر» و «طیب» می گفتند . . 3- رقیه . 4- زینب 5- ام کلثوم . 6- فاطمه .

رقیه بزرگترین دخترانش بودو زینب ، ام کلثوم و فاطمه به ترتیب پس از رقیه قرار داشتند . پسران خدیجه پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، بدرود زندگی گفتند . ولی دخترانش ، نبوت پیامبر(صلی الله علیه وآله)را درک کردند .

گروهی از محققان معتقدند : قاسم و همه دختران رسول خدا (صلی الله علیه وآله)پس از بعثت به دنیا آمدند و چندروز پس از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)به مدینه هجرت کردند .

وصیت خدیجه سلام الله علیها

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) سه سال قبل از هجرت بیمار شد . پیغمبر (صلی الله علیه وآله) به عیادت وی رفت و فرمود : ای خدیجه ، «**اما علمت ان الله قد زوجنی معک فی الجنه**» ؛ آیا می دانی که خداوند تو را در بهشت نیز همسرم ساخته است ؟ !

آنگاه از خدیجه دل جویی و تفقد کرد ؛ او را وعده بهشت داد و درجات عالی بهشت را به شکرانه خدمات او توصیف فرمود .

چون بیماری خدیجه شدت یافت ، عرض کرد : یا رسول الله ! چندوصیت دارم من در حق تو کوتاهی کردم ، مرا عفو کن .

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود : هرگز از تو تقصیری ندیدم و نهایت تلاش خود را به کار بردی . در خانه ام بسیار خسته شدی و اموالت را درراه خدا مصرف کردی .

عرض کرد : یا رسول الله ! وصیت دوم من این است که مواظب این دختر باشید . و به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اشاره کرد . چون او بعد ازمن یتیم و غریب خواهد شد . پس مبادا کسی از زنان قریش به اوآزار برساند . مبادا کسی به صورتش سیلی بزند . مبادا کسی بر او فریاد بکشد . مبادا کسی با او برخورد غیر ملایم و زننده ای داشته باشد .

اما وصیت سوم را شرم می کنم برایت بگویم . آن را به فاطمه عرض می کنم تا او برایت بازگو کند . سپس فاطمه را فراخواند و به وی فرمود : «**نور چشمم ! به پدرت رسول الله بگو : مادرم می گوید : من از قبر در هراسم ؛ از تو می خواهم مرا درلباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی ، کفن کنی .**»

پس فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از اتاق بیرون آمد و مطلب را به پیامبر(صلی الله علیه وآله)عرض کرد . پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آن پیراهن را برای خدیجه فرستاد و او بسیار خوشحال شد . هنگام وفات حضرت خدیجه ، پیامبراکرم(صلی الله علیه وآله) غسل و کفن وی را به عهده گرفت . ناگهان جبرئیل درحالی که کفن از بهشت همراه داشت ، نازل شد و عرض کرد : یا رسول الله ، خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید : «**ایشان اموالش را در راه ما صرف کرد و ما سزاوارتریم که کفنش را به عهده بگیریم .**»

وفات خدیجه (سلام الله علیها)

خدیجه در سن 65 سالگی در ماه رمضان سال دهم بعثت در خارج از شعب ابوطالب جان به جان آفرین تسلیم کرد . پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله) شخصا خدیجه را غسل داد ، حنوط کرد و با همان پارچه ای که جبرئیل از طرف خداوند عزوجل برای خدیجه آورده بود ، کفن کرد . رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شخصا درون قبر رفت ، سپس خدیجه را در خاک نهاد و آنگاه سنگ لحد را در جای خویش استوار ساخت . او بر خدیجه اشک می ریخت ، دعا می کرد و برایش آمرزش می طلبید . آرامگاه خدیجه در گورستان مکه در «حجون» واقع است .

رحلت خدیجه برای پیغمبر (صلی الله علیه وآله) مصیبتی بزرگ بود ؛ زیرا خدیجه یاور پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله) بود و به احترام او بسیاری به حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) احترام می گذاشتند و از آزار وی خودداری می کردند .

یاد خدیجه سلام الله علیها

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با این که بعد از رحلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بازمانی چند ازدواج کرد ؛ ولی هرگز خدیجه را از یاد نبرد . عایشه می گوید : هر وقت پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله) یاد خدیجه می افتاد ، ملول و گرفته می شد و برای او آمرزش می طلبید . روزی من رشک ورزیدم و گفتم : یا رسول الله ، خداوند به جای آن پیرزن ، زنی جوان و زیبا به تو داد .

پیغمبر (صلی الله علیه وآله) ناگهان بر آشفت و خشمگینانه دست بر دست من زد و فرمود : خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رومی گردانیدند ، او به من روی می کرد ؛ و چون همه از من می گریختند ، به من محبت و مهربانی می کرد ؛ و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند ، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد . در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود .

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود : «وقتی خدیجه از دنیا رفت ، فاطمه کودکی خردسال بود ، نزد پدر آمد و گفت : «یا رسول الله امی» ؛ مادرم کجاست ؟

پیامبر (صلی الله علیه وآله) سکوت کرد . جبرئیل نازل شد و گفت : خدایت سلام می رساند و می فرماید : به زهرا
بفرما ، مادرت در بهشت و در کاخ طلایی که ستونش از یاقوت سرخ است و اطرافش آسیه و مریم هستند ، جای
دارد .